

مناصب هست که داخل در خدمت نبوده و نیستند
اگر این ترتیب بوده است و داخل در خدمت نبوده
مثل سررتیب های سابق که خارج از فوج می گفتند
این هیچ مانع انتخاب او نخواهد بود بابت اعتبارنامه اش
را صحیح دانست .

رئیس - این سؤال نیست .

حاج آقا - بنی سؤال می کنم ولی باین-
طوری که مخبر محترم شعبه بیان کردند من
واقفاً نفهمیدم که این سررتیب است و فوج دارد
یعنی مواجب بگیر دولت است یا آن که منصب
او افتخاری است اگر منصب افتخاری باشد میشود
جزو نظام دانست .

حاج عز الممالک - البته مناصب افتخاری
مانع از انتخاب کسی نیست چنانچه خیلی ها هستند
که صاحب منصب نظامی بوده اند ولیکن در موقع
انتخاب صاحب منصب نظامی نبوده اند در شعبه اینطور
رای داده شده و مدلل شد که اداره کردن یک فوجی
لازم نیست که سررتیب هم-سرا باشد مثل اینست که
داخل در خدمت است .

رئیس - - کمان میکنم مذاکرات در این
باب کافی باشد یک اعتبارنامه دیگری هم هست چون
عده کافی نیست میخوانیم آوقت هر دو را میگیریم
اگر مخالفی بود طبع و توزیع میشود .

(راپورت شعبه پنجم بعبارت ذیل قرائت شد)
در تاریخ بیست و پنجم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹
شعبه پنجم چند جلسه متوالی در تحت ریاست آقای
معز المملک منعقد گردیده در خصوص اعتبارنامه میرزا
لقمان کلیمی که از طرف کلیمیان شیراز - کاشان -
اصفهان - همدان انتخاب شده مذاقه لازمه نموده
چون انتخاب ملل متنوعه در نظامنامه انتخابات مصرح
بیک درجه یا در درجه نیست از طرف کلیمیان تهران
نیز میرزا عزیزالله انتخاب شده صورت مفصل انتخاب
کلیمیان ذیلا بعرض مجلس می رساند انتخاب میرزا
لقمان از نقاط مفصله با اکثریت ۲۸۳ رای همدان
تاریخ پنجم حوت با اکثریت نامه ۹۷ رای اصفهان ۱۵
شوال با اکثریت ۳۳ رای کاشان ۲۲ صفر ۱۳۲۸ با اکثریت
۴۲ رای شیراز محرم ۱۳۲۸ با اکثریت ۱۱۱ رای
میرزا عزیزالله با انتخاب کلیمیان طهران با اکثریت
دویست و هفت رای پس از مذاکرات لازمه در
تعقیقات از رئیس شعبه انتخابات وزارت داخله چون
میرزا لقمان نسبت بمیرزا عزیزالله اکثریت آراء
دارد و در نظامنامه تصریح بانقلاب دودرجه نیست
شعبه پنجم با اکثریت آراء صحت نمایندگی میرزا
لقمان را تصدیق و موکول به رای مجلس مقدس
می نماید .

رئیس - اول رای میگیریم بر راپورت شعبه
پنجم راجع بنمایندگروس چنانچه ملاحظه فرمودید
شعبه پنجم تصویب نکرده است انتخاب نمایندگی
اورا آقایانی که موافق هستند با راپورت شعبه قیام
نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

راپورت شعبه

رئیس - حالا رای می گیریم به راپورت

شعبه پنجم راجع بنمایندگ کلیمیان اگر مخالفی نیست
حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم .
رئیس - پس باید طبع و توزیع شود .
حاج شیخ اسدالله - بنده استرداد میکنم
مخالفت خود را .

عز المملک - بنده مخالفم .

رئیس - پس همان طبع و توزیع می شود
دستور سه جلسه تعیین می شود دستور پنجشنبه ۲۷
راپورت کمیسیون بودجه راجع بورقه مورل - لایحه
استقرار دستور شنبه ۲۹ راپورت کمیسیون بودجه راجع
بامتداد سیم بکلیمیا بگن و خونسار و محلات قانون ثبت
اسناد سه شنبه دوم جمادی الاولی شور دوم قانون استخدام
لواجح تشکر به نجف اشرف آقامیرزا احمد فرمایشی
دارید بفرمائید .

آقامیرزا احمد - بعد از تنفس آقای رئیس
بعضی فرمایشات فرمودند و در آخر فرمایشاتشان
یک خطاری بود کلای آذربایجان قبل از وقت
فرمودند چون بنده یکی از وکلای آذربایجان
هستم لازم دانستم که کلمه عرض کنم اینک فرمودند
تسکرافی از آذربایجان آمده است صحیح است
تسکرافی رسیده در روزنامه هم درج شده است
ولی در رسیدن یک همچو تسکرافی نمی شود گفت
که وکلای آذربایجان هم عمل خواهند کرد و کلای
آذربایجان خودشان مسبوق هستند و می دانند که
هر چه بر طبق عقیده شخص خودشان باشد که
لازمه و کالت است عمل بکنند و عمل خواهند کرد
چه موافق باشد آن عقیده شخصی با عقیده اهل
آذربایجان چه مخالف باشد بلکه می خواهم عرض
کنم که تخصیص بیک ولایت مخصوص ندارد و کلای
سایر ولایات هم اگر یک وقتی آنها عقیده در
مطلبی داشته باشند و آن عقیده مخالف باشد با
عقیده اهالی آن ولایتی که از آنجا انتخاب شده اند
آن وکلا یا بر طبق عقیده خودشان رای خواهند
داد یا از وکالت استعفا میدهند و کلای آذربایجان اگر
چه غالبشان بلکه تمامشان مخالف بوده اند باین
استقرار باین ترتیبی که دارد می گذرد ولی
هیچوقت خیال نداشتند از مجلس خارج بشوند بنده
سراغ ندارم یک نفر از وکلا را که خیال داشته
باشد از مجلس خارج شود و در این مقام هم نیستم
که تصدیق کنم یا رد کنم خارج شدن از مجلس را
که خلاف قانون است یا موافق قانون است مخالف
نظام مجلس است یا موافق نظام مجلس است در-
صورتیکه بعضی اشخاص عالم هم دفاع از این
مطلب کردند و فرمودند خلاف نظم نیست و خلاف
قانون هم نیست مثل مرحوم صفیح الدوله که ایستادند
و علناً فرمودند که این مخالف با نظامات مجلس
نیست و از مجلس بیرون رفتید حالا کار بآن مسئله
نداریم ولی نمی دانم چه شد که کاسه و کوزه تمام
بسر و کلای آذربایجان شکست و اخطار راجع
بو کلای آذربایجان شد و این اخطار را بنده قصاص قبل
الجنایه می دانم و هیچ راجع بو کلای آذربایجان
نیست و اول باید عنوانی از طرف وکلای آذربایجان
شده باشد که ما بیرون میرویم بعد آقای رئیس این اخطار
را بکنند .

رئیس - عرض می کنم که بنده اولاً اخطار
نظامنامه نکردم که از نظم خارج شده اید و چون
اطمینان به من نداده بودند قبل از وقت که این
اتفاق خواهد افتاد این بود که اعلام کردم که این
اتفاق نیفتد مقصود این است که سوء تفاهمی نشده
باشد اخطار نظام نامه نبوده است اخطار نظامنامه
بوده عرض می کردم برای اینکه از دایره نظم
خارج شده اید اخطار می کنم این اخطار عین
اعلام بود .

(در این موقع رئیس حرکت کرد)

[و مجلس یک ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد]

جلسه ۲۴۰

صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۷ شهر

ربیع الثانی ۱۳۲۹

سه ساعت و نیم قبل از غروب آقای مؤتمن المملک
بجای خود جلوس نموده و سه ساعت بغروب مجلس
رسماً افتتاح شد صورت مذاکرات جلسه قبل را
آقای معاضد المملک قرائت نمودند .

(غائبین جلسه قبل)

آقا سید محمد رضا - معین الرعایا - آقا شیخ
ابراهیم زنجانی - آقا میرزا علی اکبرخان دهخدا
(بدون اجازه غائبین)

حاج شیخ علی خراسانی مریض - ناصر الاسلام
سه ساعت - ادیب التجار چهل دقیقه بوقت مقرر
حاضر نشدند .

معهده التجار - به آقای معین الرعایا مدتی است
مریض هستند در صورت مجلس اورا غائب بی اجازه
نوشته اند .

رئیس - اطلاع نداده اند .

خیابانی - در صورت مجلس نطق آقای
رئیس نسبت بو کلاه آذربایجان طوری نوشته شده
است که سوء تفاهم میشود فرمودید اگر وکلای
آذربایجان بخواهند در این امر اقدامی بکنند و از
مجلس خارج بشوند یک دقیقه در این مجلس ریاست
نخواهم کرد و این بود فرمایش سرکار و حال آنکه
در اینجا طوری نوشته شده است که میفهماند که از
آن عملی که دارند معاف خواهند بود خوب است
صراحتاً بنویسند که سوء تفاهم نشود .

رئیس - اینهم مقصود همین است اینجا
نوشته شده است از آن شفلی که بنده سیرده شده
است یعنی شغل ریاست معاف خواهم بود ملاحظه
دیگری نیست ؟

[گفتند خیر]

دستور امروز لایحه استقرار و راپورت کمیسیون
بودجه راجع بورقه مورل - چون آقایانی که تقاضا
کرده بودند که راپورت کمیسیون بودجه راجع بورقه
دکتر مورل در جزء دستور بیاید اصرار دارند که
زودتر بگذرد و چون هیئت وزرا هم تماماً حاضر
نیستند اگر مخالفی نیست آنرا مقدم بداریم .

(اظهار شد مخالفی نیست)

راپورت کمیسیون فوائد عامه است که مخبر
داده اند راجع بتعرفه تسکراف طبع و توزیع
خواهد شد .

[راپورت کمیسیون بودجه بقرار ذیل قرائت شد .]

لایحه وزارت مالیه راجع بتقاضای سالیانصد تومان برای دوپسر و سه دختر دکتر مورل و سیصد تومان مادام العیوة برای عیال دکتر مورل مطرح گردیده نظر بآنکه دکتر مورل سنوات متعادیه نسبت بدولت ایران خدمت کرده و در آنموقع که فوت شده عیال و اولاد او از حیث معاش بحالتی هستند که استحقاق مخصوصی دارند کمیسیون بودجه با اکثریت تصویب مینماید مطابق پیشنهاد وزیر بترتیب ذیل در حق عیال و اولاد او حقوق برقرار شود .

(۱) سالیانه یا صد تومان در حق دوپسر و سه دختر دکتر مورل پسرها تا انقضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شوهر رفتن حقوق برقرار شود (برقراری این حقوق متجاوز از هشت سال نخواهد بود .)

(۲) سالیانه سیصد تومان بعیال دکتر مورل مادام العیوة داده شود .

رئیس - مذاکرات در کلیات است مخالفی نیست .
(گفتند خیر)

رئیس - پس رای میگیریم که داخل در مواد شویم آقایانی که موافقت دارند که داخل در مواد شویم قیام نمایند با اکثریت تصویب شد .
[فقره اول دوباره قرائت میشود] بعبارت ذیل خوانده شد .

(۱) سالیانه یا صد تومان در حق دو پسر و سه دختر دکتر مورل - پسرها تا انقضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شوهر رفتن حقوق برقرار شود (برقراری این حقوق متجاوز از هشت سال نخواهد بود) .

حاجی آقا - آن قید اولی که کرده اند که برقراری پسرها تا انقضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شوهر رفتن و بعد نوشته اند برقراری این حقوق بیش از هشت سال نخواهد بود تناقضی ندارد خوب بود یا آن حدرا قرار بدهند یا این حد را خوب است مرادشان را بیان کنند .

حاجی عز الممالک - اینجا ممکن بود که هر دو این مسئله هم در حق پسرها هم در حق دخترها بیشتر منظور بشود ولی چون یک حد انتهائی لازم بود که کمیسیون بودجه در حقیقت نظرش به هشت سال بود ولی در ضمن هشت سال اگر دخترها بشوهر رفتند و پسرها فارغ التحصیل شدند آنوقت آن حقوق مقطوع خواهد بود و در حقیقت انتها همان هشت سال خواهد بود و ممکن است زودتر از هشت سال هم داده نشود .

ناصر الاسلام - توضیح آقای مغیر بهیچ وجه کافی نبود مدت هشت سال مدت حقوق آنها را قرار دادن و قید کردن اینکه پس از امام تحصیل پسرها و بشوهر رفتن دخترها باین کیفیت طور است که معلوم نمیکند ممکن است پسرها در مدت ده سال فارغ التحصیل شوند و ممکن است دخترها اطفال کوچک باشند و مدت بشوهر رفتن آنها بیش از اینها

باشد در هر حال قید کردن هشت سال را بنده غلط میدانم دولت که می خواهد مساعدتی بکند در حق ورثه دکتر مورل معنی قدر شناسی و حق شناسی این است که بآنها مساعدت بشود تا پسرها تحصیلشان تمام شود و دخترها هم شوهر بروند بنده پیشنهاد میکنم که جزء اخیر حذف شود و بهمان جزء اول تنها رای گرفته شود .

رئیس - پیشنهاد را کتباً بنویسید بفرستید چون ماده دوم با ماده اول مربوط نیست می توانیم شروع کنیم بمذاکره ماده دوم (ماده دوم بعبارت ذیل قرائت شد) .

(۲) سالیانه سیصد تومان بعیال دکتر مورل مادام العیوة داده شود .

رئیس - مخالفی نیست در این باب گفتند خیر
رئیس - رای میگیریم آقایانی که موافقت با ماده دوم ورثه سفید خواهند انداخت (اوراق رای اخذ شده و آقای حاجی میرزا رضا خان احصا نمود) .

رئیس - با اکثریت ۵۰ رای تصویب شد
اسامی تصویب کنندگان .

سلیمان میرزا - شیبانی - ادیب التجار -
صدرالمعلماء - آقا شیخ ابراهیم - حاجی سید نصرالله حاجی مصدق الممالک - دکتر اسمعیل خان - ذکاء الملک - آقا سید جمیل - دکتر حیدر میرزا - انتظام الحکماء - متین السلطنه - آقا سید محمد رضا دکتر علی خان - منتصر السلطان - حاجی محمد کریم خان - آقا میرزا رضا خان نائینج - حاجی محمد صادق علی زاده - آقای طباطبائی - ناصر الاسلام - لسان الحکماء - مشیر حضور - آقا میرزا مرتضی قلی خان - افتخار الواعظین - ارباب کعب خسرد دکتر حاج رضاخان - آقا میرزا رضای مستوفی - آقا میرزا احمد - تربیت - ابوالقاسم میرزا - نیر - السلطان - ضیاء الملک - آقای شیخ غلامحسین آقا میرزا ابراهیم خان - فهیم الملک - آقا سید حسین اردبیلی - معاضد الملک - معتمد التجار - آقا شیخ علی شیرازی - وحید الملک - حاجی آقای شیرازی - دکتر امیرخان - حاجی شیخ رئیس - آقا شیخ رضای دهخواره نی - حاجی سید ابراهیم مهرزالملک - مهمل الدوله - محمد هاشم میرزا - آقا اسدالله خان کردستانی

رئیس - در ماده اول دو فقره پیشنهاد شده است یکی از آقای ناصر الاسلام و دیگری از حاج مصدق الممالک می خواهم و رای میگیریم اگر تصویب شد باید برگردد بکمیسیون

(اول پیشنهاد آقای ناصر الاسلام بعبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که قسمت اخیر ماده اول که مدت حقوق را هشت سال معین می کند حذف شود و بقسمت اول رای گرفته شود .

حاجی عز الممالک - اینجا مخصوصاً کمیسیون بودجه در همین نظر کرد که مدت اکثر این حقوق همین هشت سال باشد و این با جمیع ملاحظات بود حالا اینطور رای می دهند معلوم نمیشود که انتهایش تا کی خواهد بود و بالاخره مدت هشت سال

را کمیسیون رای داد و آن دو شرط برای این بود که اگر زودتر از این مدت تحصیل پسران تمام شد و دختران زودتر بشوهر رفتند دیگر این حقوق داده نشود و مدت اکثری که کمیسیون رای داده همان ۸ سال است .

وزیر امور خارجه - این مسئله هشت سال حذف شود اولی است برای اینکه اگر بخواهیم تجدید بکنیم مدت تحصیل یا شوهر رفتن آنها را این اسباب زحمت خواهد شد برای اینکه ممکن است در عرض هشت سال دخترها بشوهر نروند و پسرها تحصیلشان تمام نشود آن وقت دوباره این مسئله باید محل مذاکره شود پس همان اتمام تحصیل و شوهر رفتن دخترها بهتر حدی است که حقوق بآنها داده شود .

حاجی سید ابراهیم - در کمیسیون مذاکرات شد و معلوم شد که این پسرها بعد از هفت و هشت سال فارغ التحصیل می شوند و آن دخترها هم شوهر می کنند و بعضی از ایشان هم شوهر کرده اند و گفتیم که اکثر مراتبی که برای مدت تحصیلشان بشوهر رفتنشان تصور بشود همان هشت سال است و زیاده بر هشت سال نخواهد بود باید همان حد اکثر معین شود و نظر کمیسیون بودجه هم همین بود که این اکثر مراتب هست

رئیس - رای می گیریم باین اصلاح آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد)
اصلاح آقای حاجی مصدق الممالک بمضمون ذیل خوانده شد .

بنده پیشنهاد میکنم در حق پسرها تا بیست سال برقرار نمایند و در حق دخترها تا شوهر بروند

حاجی مصدق الممالک - مقصود این است که پسرها تا سن ۲۰ سال که رسیدند و دخترها تا وقتیکه بشوهر بروند .

رئیس - ولی این اصلاح این مطلب را نمی فهماند .

حاجی مصدق الممالک - بله تا بیست سالگی این را در حق پسرها منظور بدانند و در حق دخترها تا وقتیکه بشوهر بروند مجدداً باین ترتیب خوانده شد .

بنده پیشنهاد می کنم در حق پسرها تا سن بیست سالگی برقرار نمایند و در حق دخترها تا شوهر بروند .

رئیس - رای می گیریم باین اصلاح آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد)
رئیس - رای میگیریم باصل ماده .

حاج شیخ رئیس - پیشنهادی دارم تقدیم می کنم .

رئیس - اصلاح آقای حاجی شیخ رئیس خوانده میشود [بمضمون ذیل قرائت شد]

بنده پیشنهاد می کنم مدت برقراری هشت سال باشد و شروط سابقه حذف شود یعنی فراغت تحصیل و شوهر کردن .

حاج شیخ رئیس - توضیحی هم ندارم همانطور که بعضی از نمایندگان محترم اظهار کردند این دو جمله هم تباین دارند حالا که نظریات کمیسیون محترم

معلوم شده همان هشت سال معین بشود حالا می خواهند فارغ التحصیل بشوند یا نشوند بشهر بروند یا نروند این قید هیچ لاز نیست بعقد کمیسیون هم عمل می شود حاجی عز الممالک عرض کنتم بنده در این باب اول نخواستم عرض بکنم برای اینکه یک اتفاقی در مجلس هست که همه نظرشان این است که این حقوق داده شود این معلوم میشود که آقایان مسبق هستند از خدمتایکده کتر مورل در ایران کرده است و مخصوصاً در این سنوات اخیر از برای این اساس مقدس هم میدانند چقدر این آدم زحمت کشیده است و چقدر خدمات کرده است و بنده میخواستم پیشنهادی کنم که این هشت سالی که اینجا معین شده است کم است و اگر تصویب میفرمائید لافال ده سال معین بشود و کدام این است که اگر ملاحظه خدمات کتر مورل را خواسته باشید که لا منظور داشته باشید عوض هشت سال ده سال بکنید و اینهم قید شده است تا اینکه آنها بشهر بروند این خوب قیدی نیست و اگر تصویب میفرمائید عوض هشت سال همان ده سال را معین بفرمائید .

حاجی عز الممالک - بنده تقاضا کردم که بر گردد به کمیسیون و حالا تقاضای خود را مسترد بدارم .

رئیس - بر میگردد به کمیسیون اینکه بنده خواهش می کنم پیشنهاد ها را قبل از وقت ننویسید بدهید برای این است که این طور مطلب ننویسیم و مطالب موق نماید

حاجی عز الممالک - چون بعضی اعضاء کمیسیون عقیده نداشتند که برود به کمیسیون از این جهت بنده تقاضای خود را پس میکشم رای بگیریید .
رئیس - شما مخبر هستید وقتی که تقاضا ردید موافق نظامنامه داخلی باید برگردد به کمیسیون و حالا بچه استقراض خوانده می شود (رایورت کمیسیون قوا این مالیه به عبارت ذیل خوانده شد)

تاریخ یکشنبه ۱۸ ربیع الثانی سه ساعت بظهر مانده در تحت ریاست آقای طباطبائی منعقد گردید لایحه دو کرور و نیم لیره استقراضی دولت بتوسط بانک شاهنشاهی که وزارت مالیه پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده بود در تحت مذاکره آمد - ماده اول بهمانطور تصویب شد ماده دوم از قسمت اول عیناً تصویب شد . در قسمت دوم در آخر آن بانطور اضافه شد (موافق قرار داد سابق) در لفظ (یعنی عایدات گمرک) یعنی اولین عایدات گمرک اصلاح شد در قسمت سیم اینطور اصلاح و تصویب شد .

در صورتیکه بانک شاهنشاهی راجع بخدمت تأدیبه اصل استقراض شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه این استقراض را تا مدتی نداشته باشد دولت مجاز است پیشنهاد مزبور را قبول نماید مشروط بر اینکه مدت مزوره از تاریخ امضای قرارداد تا پنج سال بیشتر نباشد ماده سیم اسناد ان استقراض از هر نوع مالیات و تعحیلات که از دیوان قرار میگردد معاف خواهد بود بدین طریق اصلاح گردید .

رئیس - ماده اول از پیشنهاد وزیر قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)
۱ - دولت مجاز است که دو کرور و نیم لیره انگلیسی با فرع صدی پنج یا نزول صدی ۱۲۵۰ بتوسط بانک شاهنشاهی استقراس نماید .

وحید المملک عرض بنده راجع بود بنزول صدی دوازده و نیم بنده تصدیق میکنم که خیلی از دول بزرگ استقراض های با نزول سنگین تر کرده اند مثل اینکه دولت زاین در مدت معاربه گویا به نزول صدی شانزده یک استقراض کرد ولی باید دانست که موقع و شرایط هم همیشه مبلغ نزول را تغییر می دهد در بعضی مواقع که دول در معاربه هستند یا دچار بعضی سختی ها و فشار هستند بالطبیعه از اعتبارات آنها در موارد استقراض ها کاسته میشود ولی در موارد دولیکه در معاربه نیستند و میخواهند از برای مخارج عادی به مملکتی استقراض بکنند اعتبارات آنها باجمی ماند بلکه زیاد تر است از مواد استقراض استقراضیکه خرج مصالح جنگی میشود همیشه فرق دارد با وجوهی که صرف اصلاحات مملکت و تکمیل تأمینات می شود این که یک نکته مهم - نکته ثانوی راجع است بشرايط استقراض صحیح است که این شرايط شرايط سیاسی سخت نیست بنده تصدیق میکنم ولی اگر ماده پنج را خوب ملاحظه بکنیم می بینم که این شرايط شرايطی است که دول زایون و امثال آن که استقراض کردند در موقع لزوم با نزول سنگین اینگونه شرايط را در آن استقراض نکرده اند یک قسمتی از عایدات خود را آنها عایداتی که همیشه تأیلات سیاسی دارد وثیقه آن استقراض قرار داده اند خود این نکته هم یک اهمیتی بهم می رساند در موضوع استقراض نظر باین دو نکته که عرض کردم بنده صلاح نمی دانم از برای دولت که اولاً مخارج را راجع بکنند بیانگد یعنی خودش برعهده نگیرد از اعتبار دولت می کاهد و پسکی دیگر اینکه نزول صدی دوازده و نیم برای یک نزول قابلی قرار بدهند بنده نمی توانم خود را مطمئن بکنم در این استقراض در صورتی که وجوه آن میدانم که بچه مصارف مملکتی الساعه صرف خواهد شد و دیگر آنکه با آن شرايطی که در پرداخت اصل و فرع آن در آنجا ذکر میشود یک اعتبار خوبی از برای موقع انتشار بسط های آن از برای دولت بنده تصور میکنم لهذا بنده مضر میدانم بخدمت دولت که یک نزول ثابتی از برای این استقراض قرار بدهند خوب است که این سهام با اعتبار خود دولت در لندن انتشار پیدا بکنند مخارجش را هم خود دولت برعهده بگیرد مخارجش هم چندین کزاف نیست خود دولت بهمهده بگیرد باعتبار خودش انتشار پیدا کند و بنده امیدوارم بلکه بعدش و صدهفت نزول وجه این استقراض پیدا بشود و یک ضرری هم بواسطه این بدولت متوجه نشود و وارد نیاید لهذا بنده با این ماده مخالفت دارم

افخار الواعظین - واقفاً از فرمایشات آقای وحید المملک بکفی الجملة تحیری به بنده دست داد چه شکل میشود که اسناد قرض یک دولتی را که در یک معنی بفروشد و خودش بفروش برود این ممکن نیست البته آن اشخاصی که پول بقرض می دهند از

برای نفع قرض می دهند و بنده گمان میکنم که دولت علیه ایران که سهل است گویا هر کدام از دول خیلی قویه هم اگر بخواهند اسناد قرض خودشان را در جای دیگر بفروشند بیشتر از صدی هشتاد و هفت نمی توانند بفروش برسانند منتها صد لیره را هشتاد و هفت لیره بفروشند و اما در باب نزولی هم که فرمودند نزول ثابت این همان صدی پنج خواهد بود در موقعیکه م خواهند این سهام را بفروشند چنانچه در خود این رایورت نوشته شده است صد هشتاد و هفت خواهد بود و گویا فرمودند باعتبار خود دولت بفروش برسانند آوقت امیدوارم درصدی شش و هفت از برای دولت فروخته بشود بنده در این مقام بیش از این نمیتوانم عرض کنم که وزارت مالیه دولت علیه ایران معقلاً خودش این فکر را کرده و اگر از برای دولت صرفه اش با این بود که خودش بفروش برساند البته خودش اقدام باین کار کرده بود .

وحید المملک - این توضیح داده نشد خوب است که آقای وزیر مالیه توضیح بدهند .

وزیر مالیه - بنده تعجب میکنم که آقای وزیر توضیح می خواهند و نمی دانم که این توضیح را را برای چه می خواهند حضرت عالی اشاره کردید که دولت زایون در موقع جنگ در نزول صدی ۱۶ یک استقراض کرده است ولی از آن طرف ملاحظه نکردید و هیچ نگفتید که در دول دیگر در صدی هشتاد و هفت و نیم بیشتر نزول کردند اغلب دول که در این اواخر استقراض کردند آیا آنها بیشتر از این نزول قبول کرده اند یا کمتر از این بوده است گویا این هیچ محتاج بتوضیح نباشد

منتصر السلطان - در خصوص نزول که جناب وزیر مالیه توضیح دادند توضیحی نبود که در واقع متقاعد کنده اشخاصی را که در این ماده مخالف بوده و نظریاتی داشتند ولی در بعضی دول که محتاج استقراض شدند در مواقعی که جنگ داشتند با اتفاقاً فوق العاده برای آنها روی میداد این بود که نزول را زیاد قبول میکردند چنانچه پنج فقره از این مسئله را اطلاع دارم ولی دولتی که مثل دولت ایران نه جنگ داشتند نه اتفاقات فوق العاده داشتند قرض میکردند ولی قرض ساده میکردند نه مثل این قرض که تقریباً یک انداز پلستیکی است اگر ساده را ملاحظه بکنیم می بینیم که این قرض تا یک درجه پلستیکی است و در سابق فقط آنها باعتبار مالیه خودشان که وزیر مالیه می پرداخت نه یک جعلی که مثل جعلی خالصه منافع کلیه گمرکات و کمرکات جنوب را و اضافه بعد از سنه ۱۹۲۸ عایدات کلیه تلگرافخانه را محل قرار میدهند باین دلایل معین میشود قرض های دول دیگر اینطور نبوده است پس با این شرایط معلوم میشود یک اندازه اش قرض پلستیکی است و ما نمی توانیم یک قرضی پلستیکی را صدی دوازده و نیم کسر نمایم چنانچه بعضی دول در مواقع تنگ و اتفاقات فوق العاده قبول کرده اند این قبیل استقراضات را کدام این است که همین قسم که آقای وحید المملک فرمودند اگر دولت ایران بتوسط وزارت مالیه بیانگد شاهنشاهی اعتبار و کالت بدهد که سهام این قرض را از طرف دولت ایران دولتن بفروش برساند و مخارج این را دولت قبول

بکنند بیشتر از صدی شش الی صدی هفت کسر نخواهد شد در صدی نود و سه برای دولت عاید خواهد شد و در صدی سیصد و هفتاد دو هزار تومان بجای چهارصد و هفت هزار تومان سابق قرار شد بیانگد بدهند حالا یک قرض جدیدی می خواهیم بکنیم که آن قرض را بپردازیم و یک مقداری هم برای خودمان می ماند مبلغ استقراضی دو کرور و دو سیصد و چهار صد لیره است نزول صدی دوازده و نیم یکصد و پنجاه و شش هزار دو سیصد و پنجاه لیره میشود تفاوت تنزیل صدی دو که از بابت صدی هفت قرض سابق در عرض پانزده سال می دادیم و حالا صدی پنج خواهد شد در سال دوازده هزار و پانصد و هشتاد لیره خواهد بود و در پانزده سال (۱۸۸۷۰۰) لیره می شود تفاوت که بصرفه دولت می ماند [۳۲۴۵۰]

فهییم المملک - اینجا دوسه مسئله است که باید توضیح داده شود یکی اینکه ترتیب استقراض دولت ایران را حالا نمی توان تشبیه کرد ترتیب استقراضی که ما بین دول متدنه معمولست سایر دول اگر بخواهند استقراض بکنند یک معاملاتی خواهند کرد که شاید خیلی سهلتر از اینست ولی اگر با دولت ایران بخواهند معامله بکنند غیر از اینست حالا در حقیقت معامله که با دولت ایران میکنند مثل همان استقراض است که با یک دولتی که در وسط جنگ باشد میکنند بدیهی است دولت ایران جنگی ندارد ولی محظوری که در مواد این استقراض هست یا محظوراتی که در مواد استقراض یک دولتی که در جنگ میباشد تقریباً نزدیک است حالا در ابتدای دولت است یعنی درجه تمدن و ترقی در این مملکت بآن درجه نرسیده است که بتواند مثل یک دول متدنه کامل با این دولت معامله کند و شرايطی که در بین است از برای این استقراض شرايطی باشد که بین دو دولت متدنه است حالا در واقع ابتدای امر است همین قدر یک تفاوتی که اینجا ملحوظ شده است دلیل است بر اینکه حال حالیه ما با چند سال قبل چقدر فرق کرده است این دلیل بر این است که یک اندازه حالا کار ما بهتر است از پیش از این دیگر هیچ محتاج بتوضیح نیست سابقاً قرضی که کرده اند صدی هشتاد و پنج نزول آن بوده است و حالا صدی هشتاد و هفت و نیم است و حالا اینجا هم اسم استقراض نمیتوان برد این یک قسم تثبیت قرض سابق است و در اینجا ما باید ضرر و نفع خودمان را مقایسه کنیم مبلغ دو کرور و نیم لیره انگلیسی استقراض می کنیم و صدی دوازده و نیم نزول می شود و مبلغ هفت کرور بیانگد مقروضیم که باید بدیهیم و آنرا صدی هفت تنزیل می دهیم و این دو کرور و نیم لیره را صدی پنج تنزیل می دهیم حالا باید ببینیم تفاوتی که در این صدی دو حاصل میشود بیشتر است یا آن صدی دوازده و نیم معلوم است که اگر تنزیل صدی دو بیشتر باشد از آن صدی دوازده و نیم باید آن صدی دوازده و نیم را نداد و این صدی دو را قبول کرد حالا بنده ترتیبش را اینجا عرض میکنم قرض سابق دولت سه میلیون و سیصد و نود و شش هزار و شصت و نود و هفت تومان بوده است و یک مقدار هزار تومان و کسری فقط از بابت تنزیل بدون این که از بابت اصل چیزی داده شود و قرار گذاردند که هر ساله تا پانزده سال پس از افتتاح مجلس این قرض با تنزیل صدی هفت تبدیل شد یک مبلغی از

بابت این صدی هفت بدهند و یک مبلغی هم از اصل بدهند که بعد از پانزده سال این مبلغ بکلی مستهلك شود این بود که سالی سیصد و هفتاد دو هزار تومان بجای چهارصد و هفت هزار تومان سابق قرار شد بیانگد بدهند حالا یک قرض جدیدی می خواهیم بکنیم که آن قرض را بپردازیم و یک مقداری هم برای خودمان می ماند مبلغ استقراضی دو کرور و دو سیصد و چهار صد لیره است نزول صدی دوازده و نیم یکصد و پنجاه و شش هزار دو سیصد و پنجاه لیره میشود تفاوت تنزیل صدی دو که از بابت صدی هفت قرض سابق در عرض پانزده سال می دادیم و حالا صدی پنج خواهد شد در سال دوازده هزار و پانصد و هشتاد لیره خواهد بود و در پانزده سال (۱۸۸۷۰۰) لیره می شود تفاوت که بصرفه دولت می ماند [۳۲۴۵۰]

بابت این صدی هفت بدهند و یک مبلغی هم از اصل بدهند که بعد از پانزده سال این مبلغ بکلی مستهلك شود این بود که سالی سیصد و هفتاد دو هزار تومان بجای چهارصد و هفت هزار تومان سابق قرار شد بیانگد بدهند حالا یک قرض جدیدی می خواهیم بکنیم که آن قرض را بپردازیم و یک مقداری هم برای خودمان می ماند مبلغ استقراضی دو کرور و دو سیصد و چهار صد لیره است نزول صدی دوازده و نیم یکصد و پنجاه و شش هزار دو سیصد و پنجاه لیره میشود تفاوت تنزیل صدی دو که از بابت صدی هفت قرض سابق در عرض پانزده سال می دادیم و حالا صدی پنج خواهد شد در سال دوازده هزار و پانصد و هشتاد لیره خواهد بود و در پانزده سال (۱۸۸۷۰۰) لیره می شود تفاوت که بصرفه دولت می ماند [۳۲۴۵۰]

منتصر السلطان - بنده فقط میخواستم مخبر محترمه را بیک مسئله متذکر سازم کسی دو هزار و کسری که حساب کرده اند اشتباه فرموده اند وقتی که نزول کم میشود بقیه پولیکه باقی میماند یک میلیون و نود و سه هزار و هفتصد و پنجاه لیره است و تفاوتی که در صدی دو کرور و نیم لیره است در حساب میکردیم بیشتر میشد بنده همین تنزیل هفت اگر حساب میکردیم بیشتر میشد بنده همین تنزیل هفت کرور را حساب کردم که الان هست و میخواهند بدهند اگر تنزیل او را بخواهند حساب بکنند آن بیشتر میشود آن باز صرفه دولت است این تنزیل که الان برای این هفت کرور بدیهیم آنرا عرض میکنم بیشتر دولت از آنچه که الان از بابت نزول دو کرور و نیم لیره کسر میشود .

وحید المملک - بنده که از جوابهایی که شنبدم هیچ متقاعد نمی شود آقای وزیر مالیه در جواب مختصریکه بفرمایند بنده دادند فرمودند چرا بنده فقط زایون را اسم بردم و دول دیگر را اسم نبردم بنده اصلاً عرض کردم هر دولتی که در معاربه است و استقراض برای قوای نظامی و اعتماد نظامی میخواهد بالطبیعه اعتبارش کم میشود در مورد آن استقراض و مثل زدم بدولت زایون که در موقع معاربه حتی در نزول صدی شانزده هم استقراض کرد برای اینکه مدت معاربه را امتداد بدهد پس مثل دول زایون یا دولتی که پول میخواهند برای تکمیل قوای نظامی در موقع معاربه با دولتی که اعتبار دولت کاسته میشود و این اعتبارات علمی است و دولت ایران این استقراض را برای قوای نظامی نمی خواهد داخل هیچ معاربه نیست که از برای تکمیل قوای حربیه بخواهد تا اینکه اعتبار دولت کم شود اما در مقابل جوابهایی که مخبر محترم فرمودند که بنده هیچ وقت قانع نمیشوم از آنها این است که خیال میفرمائید که فی الحقیقه ایران استقراضی را که میخواهد و این محل هائیکه گرو میگذازد اعتبار پیدا نمیکند حتی برای دو میلیون و نیم لیره این اشتباه است دولت ایران همه وقت اعتبار داشته است برای این قبیل استقراضات ولی به بعضی جهات و به باره ملاحظاتی که شرحش در اینجا شاید بی موقع باشد از اینگونه استقراضها بی بهره بوده است و نکرده است این قبیل استقراض را نه اینکه اعتبار نداشته است و اما مثل آوردن سابق را از برای این استقراض که حالا میخواهیم بکنیم این را بنده نمی دانم ما استقراض در نزول صدی پانزده هم کرده ایم و یک پول آنرا بصرف صحیح نژده ایم اما بنده میگویم خیلی فرق است بین آنیکه در شش سال پیش کرده اند یا ده سال پیش کرده اند یا کاری که حالا میخواهند بکنند بجهت اینکه حالا حکومت ملی است و نظارت ملی دارند هزار تومان افزایش بردخل یک تنزیر زیادی میدهند برای بودجه خیلی تنگ و سخت مملکت شما پس ادر یک موقعی که میخواهیم یک ترتیبی از برای کسر بودجه خودمان بدیهیم نباید متوسل بشویم به سابق و چون در سابق صدی پانزده قرض کرده اند حالا باید بعد و دوازده و نیم قانع شویم بنده این را هیچ دلیل نمی دانم که در یک وقتی

برای نفع قرض می دهند و بنده گمان میکنم که دولت علیه ایران که سهل است گویا هر کدام از دول خیلی قویه هم اگر بخواهند اسناد قرض خودشان را در جای دیگر بفروشند بیشتر از صدی هشتاد و هفت نمی توانند بفروش برسانند منتها صد لیره را هشتاد و هفت لیره بفروشند و اما در باب نزولی هم که فرمودند نزول ثابت این همان صدی پنج خواهد بود در موقعیکه م خواهند این سهام را بفروشند چنانچه در خود این رایورت نوشته شده است صد هشتاد و هفت خواهد بود و گویا فرمودند باعتبار خود دولت بفروش برسانند آوقت امیدوارم درصدی شش و هفت از برای دولت فروخته بشود بنده در این مقام بیش از این نمیتوانم عرض کنم که وزارت مالیه دولت علیه ایران معقلاً خودش این فکر را کرده و اگر از برای دولت صرفه اش با این بود که خودش بفروش برساند البته خودش اقدام باین کار کرده بود .

وحید المملک - این توضیح داده نشد خوب است که آقای وزیر مالیه توضیح بدهند .

وزیر مالیه - بنده تعجب میکنم که آقای وزیر توضیح می خواهند و نمی دانم که این توضیح را را برای چه می خواهند حضرت عالی اشاره کردید که دولت زایون در موقع جنگ در نزول صدی ۱۶ یک استقراض کرده است ولی از آن طرف ملاحظه نکردید و هیچ نگفتید که در دول دیگر در صدی هشتاد و هفت و نیم بیشتر نزول کردند اغلب دول که در این اواخر استقراض کردند آیا آنها بیشتر از این نزول قبول کرده اند یا کمتر از این بوده است گویا این هیچ محتاج بتوضیح نباشد

منتصر السلطان - در خصوص نزول که جناب وزیر مالیه توضیح دادند توضیحی نبود که در واقع متقاعد کنده اشخاصی را که در این ماده مخالف بوده و نظریاتی داشتند ولی در بعضی دول که محتاج استقراض شدند در مواقعی که جنگ داشتند با اتفاقاً فوق العاده برای آنها روی میداد این بود که نزول را زیاد قبول میکردند چنانچه پنج فقره از این مسئله را اطلاع دارم ولی دولتی که مثل دولت ایران نه جنگ داشتند نه اتفاقات فوق العاده داشتند قرض میکردند ولی قرض ساده میکردند نه مثل این قرض که تقریباً یک انداز پلستیکی است اگر ساده را ملاحظه بکنیم می بینیم که این قرض تا یک درجه پلستیکی است و در سابق فقط آنها باعتبار مالیه خودشان که وزیر مالیه می پرداخت نه یک جعلی که مثل جعلی خالصه منافع کلیه گمرکات و کمرکات جنوب را و اضافه بعد از سنه ۱۹۲۸ عایدات کلیه تلگرافخانه را محل قرار میدهند باین دلایل معین میشود قرض های دول دیگر اینطور نبوده است پس با این شرایط معلوم میشود یک اندازه اش قرض پلستیکی است و ما نمی توانیم یک قرضی پلستیکی را صدی دوازده و نیم کسر نمایم چنانچه بعضی دول در مواقع تنگ و اتفاقات فوق العاده قبول کرده اند این قبیل استقراضات را کدام این است که همین قسم که آقای وحید المملک فرمودند اگر دولت ایران بتوسط وزارت مالیه بیانگد شاهنشاهی اعتبار و کالت بدهد که سهام این قرض را از طرف دولت ایران دولتن بفروش برساند و مخارج این را دولت قبول

که يك غلطی کرده ایم حالا آنرا سرمشق قرار بدهیم و تکرار کنیم امراجع بشرطی که در ماده پنج شده است این را هم بنده یعنی انصافی می دانم زیرا اگر بنظر بی طرفی و انصاف باین کلمه نگاه کنیم می بینیم که تمام این ماده شرط سیاسی است هیچ دولتی نمی آید يك محل معین مشخصی را برای يك استعراض وثیقه قرار بدهد آنها را رجوع بمرحله خودشان آنها را رجوع بمرکات آنها در ندادن میفرمایند که این مجلها وثیقه از برای فرض خصوصی است که به بانک دارند اولاً تمام این مجلها نیست خودتان میفرمایند که محرمه و او از در این استعراض هست و در استعراض سابق نبوده و خودتان تصدیق دارید که حالا طرف مستید با يك صراف خانه و جزء دیون عمومی نیست لکن آن وقت بلیطها تمام است تمام دنیا خواهد بود زیرا اسهام بلیط تمام دنیا خواهد افتاد در مقابل دیون عمومی منافعی مخصوصه تعیین کردن گویا منافعی که نزدیک باشد به مواقع نظامی بنده هیچ تصور نمیتوانم بکنم و در هیچ جاسراغ ندارم که يك دولتی عملی کرده باشد مگر يك دولتی که بخواهد به ترتیب ما عمل کند یعنی این شرایط را یونانیکی ندارند لکن بنده بعقل ناقص و نظر کوتاه خودم عرض میکنم که این شرایط که در ماده پنج ذکر شده است شرایط سیاسی است بنده عرض میکنم و باز عرض خودم را تکرار میکنم که شما کاری را که اینجا میکنید و مخارج را در عهده بانک میگذارید و صدی دوازده و نیم هم نزول فرامیدهند از برای بانک این بکلی برضد منافع دولتی است و شما يك بهره می دهید باین بنده عرض کردم بانک می تواند استفاده بکند از این اعتبار مجلی که شما با می دهید و آنوقت در نزول صدی پنج و شش در لندن استعراض کند و آنوقت صدی پنج و نیم خودش استفاده کند و از این صدی پنج و نیم یا صدی چهار و يك ربع فرضاً از برای مخارج شما قرار بدهند آنوقت صدی چهار و نیم بانک استفاده میکند از همین استعراض شما از اعتباری که شما می دهید باینکه از همین محل که اعتبار این استعراض است و تفاوت این مبلغ تقریباً از دوازده هزار و پانصد بلیط صد لیره تقریباً میشود به شصت هزار لیره قریب چهار صد هزار تومان اگر میخواهید يك همچو تفاوتی را بدهید بیک طرف خانه بنده هیچ حرفی ندارم ولی در صورتیکه يك تومان يك قران برای بودجه مملکت شما لازم است بنده عرض میکنم چرا اینکار را می کنید چرا شما می آید چهار صد هزار تومان را همین طور بدست خودتان بدهید بدست يك صرافی حالا خواهید فرمود که بانک چرا اینکار را میکند از برای شما اما این را هم بدانید که بانک يك طلبی دارد که هفت کرور است از آن طرف که هفت کرور پول می دهید باینکه و يك فرض خصوصی دارید او را می دهید این خودش يك فایده است و علاوه يك حق عاملی هم باو می دهید همین طوریکه از برای همان يك عامل و صرافی میکند يك حق می گیرد چرا بیاید چهار صد هزار تومان دستی بدهید باینکه شما بیاید این را خودتان استفاده بکنید و از آن طرف هم بانک یقیناً متقاعد خواهد شد که

هفت کرور پول میگیرد و از برای عمل خودش يك حق العملی می گیرد برای این بلیط های استعراضی و بنده این را هیچ تعجب نمی بینم از برای هیچ وزارت خانه در صورتیکه منافع خودش هم در آن باشد که این را تعقیب بکنند و از برای هیچ دولتی که این را قبول بکنند و بنده باز هم خواهش میکنم از هیئت دولت که حتی المقدور این نقطه نظر را تعقیب بکنند و هیچ هم گمان نکنند که باین اعتباراتی که دارند و وثیقه می گذارند برای این استعراض يك ملیون و نیم لیره از برای آنها نایاب باشد و یافت نشود .

وزیر مالیه - اینجا آقای وحید الملك در باب محرمه و او از بیان کردند خوب است رجوع ب ماده سوم این قرار داد بکنید که محرمه و او از هم است این ترتیب نیست که ایشان فرمودند یکی هم ترتیبات را که می گویند این مذاکرات در کابینه سابق تمام شده است و تمام این راه هارا که ایشان بیان میکنند همه اینها ملاحظه شده و بالاخره حاضر شده اند باین استعراض که این پیشنهاد را کردند و این را تصویب کرده اند و تصور نکنید که بدون شرایط و بدون تامل آمدند این را پیشنهاد کردند

رئیس - مذاکرات کافی نیست (اظهاری شد کافی است) پس رای میگیریم در نظام نامه تصریح شده است که باورقه رای گرفته شود و حالا اگر بخواهند رای بگیرند پنج نفر باید تقاضا کنند که با اوراق رای گرفته شود .

وحید الملك - این شور اول است نمی شود رای گرفت .

رئیس - باید این معلوم شود بنده تکلیف خودم را نمی دانم و حرف در این است که این را شور اول می دانید یا يك شور باید بشود به حال ماده نظام نامه خوانده می شود که معلوم شود دوشور بشود یا يك شور .

وزیر مالیه - سابقاً تقاضای فوریت این شده است .

رئیس - بلی تقاضا شده است ولی رای گرفته نشده است .

(در این موقع ماده ۹ نظام نامه به عبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۹ - ترتیبات شور مرتبه اول و مرتبه دوم در مواد ذیل مجری نخواهد بود اولاً بودجه دخل و خرج مملکتی ثانیاً قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی برای مخارج مخصوصی است ثانیاً قوانین راجع به منافع محلی در این سه فقره يك شور کافی است و مباحثات آن ترتیب موارد فوری است چنانکه ذکر خواهد شد .

رئیس - عرض میکنم که اینجا این لایحه استعراض راجع به پنج کدام از این سه فقره نیست و قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی از برای مخارج مخصوصی باشد نیست این همان مخارجی است که مادر موقع قانون محاسبات عمومی اسمش را گذاشتیم مخارج اضافی و منضمه و از منافع محلی هم نیست

بودجه دخل و خرج مملکت هم نیست در این صورت بعقیده بنده دوشور باید بشود (صحیح است) و مادر مسئله ورقه ماده ۸۵ نظامنامه میگوید در موارد ذیل رای هلنی با اوراق حتمی است اولاً بمداز اینکه دوقدمه بواسطه قیام و قعود نتیجه شکرک باشد ثانیاً در تمام لوایح قانونی که تقاضای اجازه مخارج می نماید ثالثاً در لوایح قانونی که مالیات یا عوارض بر قرار می کنند و یا مالیات و عوارض که سابقاً برقرار بوده است تغییر می دهد اینها که هیچکدام نیست پس بعقیده بنده باید دوشور در آن بشود و بنده با ورقه رای گرفته شود .

وزیر مالیه - وقتی که فوریتش تقاضا شده و بنده هم تقاضا می کنم دیگر دو شور لازم ندارد .

رئیس - رای در فوریت را حالا نمی شود گرفت زیرا داخل در مواد شده ایم مگر آنکه تمام مواد در شور اول خوانده شود آنوقت در فوریت رای گرفته شود (فقره دوم لایحه استعراض قرائت می شود ماده دوم لایحه و وزراء به عبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۲ - ترتیب استهلاك و تأمین این استعراض از این قرار خواهد بود .

(۱) اول وجه استهلاك از قرار صدی نیم بعد از پنج سال از تاریخ این استعراض تأدیبه خواهد شد

(۲) اعتبار این فرض همان اعتبار فرض سابق دولت باینکه شاهنشاهی خواهد بود یعنی عایدات گمرکات جنوب بمداز وضع مخارج اداره گمرکات کمیسیون قسمت اول را عیناً تصویب کرده بود در قسمت دوم جمله (یعنی عایدات گمرکات) را بجمله (یعنی اولین عایدات گمرکات تبدیل نموده و در آخر آن جمله (موافق قرار داد سابق) را اضافه کرده بود .

رئیس - مخالفی در این ماده هست (اظهاری نشد) پس قسمت سوم خوانده می شود از لایحه و وزراء به عبارت ذیل قرائت شد .

(۳) در صورتی که بانک شاهنشاهی راجع به عدم تأدیبه اصل استعراض در يك مدتی شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه آن استعراض را نداشته باشد دولت مجاز است از تاریخ امضاء قرار داد استعراض تا پنج سال پیشتهاد مزبور را قبول نماید کمیسیون قسمت فوق را به عبارت ذیل اصلاح و پیشنهاد کرده بود .

در صورتی که بانک شاهنشاهی راجع به تأدیبه اصل استعراض شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه این استعراض را نداشته باشد دولت مجاز است پیشنهاد مزبور را قبول نماید مشروط بر این که مدت مزبور از تاریخ امضاء قرارداد تا پنج سال بیشتر نباشد .

منتصر السلطان - بنده باین ماده که ذکر میکند تا مدت پنج سال دولت حق پرداخت این پول را ندارد و بمداز پنج سال حق خواهد داشت که اگر میخواهد تأدیبه بکند میتواند این پول را به بانک یا به صاحبان اسهام بپردازد و با این مدت پنج سال بکلی مخالف هستم چرا بجهت اینکه این

يك فرض جزئی هست و يك چنین محل کلی را که عایدات خالص گمرکات جنوب باشد و بعد تلگراف خانه را هم ذکر میکند در مقابل آن میدهم و ما نمی توانیم يك چنین محل عهده را واگذار کنیم که اگر چنانچه يك وقتی احتیاجی به پول بیابان کنیم بکلی دست ما بسته باشد و با آن توانیم باعتبار این محل فرض بکنیم چنانچه اگر حساب بکنیم فرضاً اگر ما بخواهیم يك فرض عهده را باندازه صد کرور یادویست کرور تومان از قرار صدی چهار میتوانیم بکنیم و محل عایدات گمرک را که تقریباً نه کرور می شود در مقابل آن قرار بدهیم که هشت کرور از برای فرع آن باشد و يك کرور از برای استهلاك اصل این فرض باشد و آنوقت فرض را که بهر جا داریم از قبیل دولت هند و بانک ها و غیره بپردازیم و باقی را بصرف راه آهن مملکت خودمان بپردازیم و يك استفاده کلی از این مجلهای خودمان بکنیم و اگر ما این شرط را قبول بکنیم که تا پنج سال حق تأدیبه این وجه را نداشته باشیم بکلی دست ما بسته است که نمی توانیم باعتبار این محل های خودمان پولی فرض بکنیم که فرض بانک و سایر قروض را بپردازیم و باقی را بصرف لازمه خودمان بپردازیم و ماها را خیلی بزرحت میاندازد و دولت را مجبور بغیلی کار های شاقه میکند پس این بنده بکلی مخالف این ماده هستم که ذکر میکند تا پنج سال دولت حق پرداخت وجوه این سهام را نخواهد داشت .

متین السلطنه - اینجا گویا مطلب دو تا بشود یکی اینکه تا پنج سال دیگر نتوانیم این فرض را بپردازیم و یکی این که نتوانیم تا پنج سال دیگر داخل يك استعراض هم بشویم و اینکه تا پنج سال دیگر این وجه را نپردازیم گمان نمی کنم دست دولت را ببندد از اینکه تا پنج سال دیگر داخل هیچ يك از معاملات استعراض نشود و این را هم باید اجازه داد بجهت اینکه معاملات استعراض وسی که مبلغ گزافی هم باشد مثل معاملات تجارنی نیست که هر ساعتی که بخواهند پول رایس بیارند آن شخص پول دهنده قبول بکند و اگر در این مورد این شکل می بود شاید يك منافع زیادتری را از دولت می خواستند و الا در تمام این نوع استعراضها مدت را محدود میکنند که تا يك مدتی که هم حق پرداخت را نداشته باشد پس بعقیده بنده این قید در اینجا بی موقع نیست و مدت پنج سال هم زیاد نمی باشد که اگر بعد از آن دولت بخواهد بپردازد مختار باشد و فرمایش دیگری را هم که فرمودند که این کار دست و پای دولت را می بندد عرض می کنم که این نوع استعراضها بهیچوجه دست لریای دولت را نمی بندد و همه وقت دولت میتواند داخل در استعراض هایی که ملاحظاتی اقتصاد در آنها هست بشود .

وحید الملك - بنده هیچ متقاعد نشدم از آنچه که تا بجا در این موضوع دفاع شده است می فرمایند از این پنج سال دست دولت بسته نمیشود برای يك استعراض دیگری ولی باید بدانیم که این محل را هم دیگر دولت می تواند دست بزند

و معلی باقی می ماند تا اینکه دست دولت بسته نباشد بنده می خواستم بیرسم از آقای وزیر مالیه که حکمت این قید از برای چیست آیا این از برای منفعت طرف است یا از برای منفعت ما است اگر از برای منفعت ماها است که فی الحقیقه ما این را لازم نداریم یعنی بعقیده بنده و اگر از برای منفعت طرف است که این مسئله چه منفعتی برای طرف خواهد داشت که تا پنج سال دیگر ما نتوانیم از این محل هیچ معامله بکنیم بنده عقیده ام این است که بکمال خوبی ممکن است که ما پنج سال را بکسالت قرار بدهیم چونکه در ماده دیگر شش ماه حق اعلان رسمی قرار داده شده است که دولت سه ماه قبل باید اعلان بکند و سه ماه هم موعد قرار داده شده است از برای اینکه این وجه را دولت بیاورد و باقی را برای مامی توانیم سه ماه را بخوبی صرف نظر بکنیم و این مدت را يك سال قرار بدهیم و اگر راجع است بمنفعت طرف چنانچه عرض کردم بنده باین اظهارات نمی توانم قانع بشوم .

وزیر مالیه - بنده تعجب میکنم از آقای وحید الملك که این اظهارات را میفرمایند برای این که کاملاً خودشان مسبوق هستند از مذاکراتی که در کابینه سابق میشده است طرف کمتر از این را قبول نمیکنند مدت این هم پنج سال نبود یا نوزده سال بود کابینه سابق خیلی مذاکرات و کوشش کرده است تا اینکه بالاخره آورده است پنج سال کرده است حالا با این شرط حاضرید قبول بکنید اگر هم نمی خواهید مختارید .

سلیمان میرزا - بنده از اول مطرح شدن این لایحه یگانه دلیلی را که می شنوم و اینجا بیان می کنند و غالباً آن را دلیل قاطعی فرض کرده بآن اکتفا میفرمایند دولت سابق است هیچکس نمی تواند این را تصدیق بکند که هر چه را که دولت سابق کرده است باید قبول کرد و ما نتوانیم از آن کارها اشکالی بکنیم یا اگر اشکالاتی کردیم جواب بشویم که دولت سابق اینکار را کرده است یا این خیال را داشته است داشته باشد ما ابتدا تصدیق نمی کردیم از این جهت بگمان بنده این هیچ دلیل منطقی نیست که وقتی سؤال میشود که این چه حکمت دارد که ما را مقید میکنند به پنج سال که نتوانیم در این مدت از همین محل يك فرض کلی با نزول کمتر بصره خودمان بکنیم و این فرض سایر قروض خودمان را بپردازیم مثل اینکه الان هم همین کار را کرده ایم که باعتبار همین محل يك فرضی را با فرع و نزول کمتری کرده ایم و توانستیم هفت کرور فرض سابق خودمان را بپردازیم در جواب بگویند کابینه سابق این خیال را داشت در صورتی که بمداز يك سال یا دو سال دیگر هم شاید نتوانیم باعتبار همین محل يك فرض بیشتر با فرع و نزول کمتری بکنیم و سایر قروض خودمان را بپردازیم به گمان بنده جواب این اشکالات و این ایرادهایی که میشود کابینه سابق نخواهد بود باید يك جوابی بدهند که سکت باشد يك جواب دیگری هم فرمودند حالا با این شرط حاضرید قبول بکنید پس این

دیگر رای ما را لازم ندارد ما باید بفهمیم که این شرط فایده اش چیست و برای چه اینجا نوشته اند و در صورتیکه کابینه سابق بمداز مذاکرات و زحمات زیاد یا نوزده سال را توانست پنج سال برساند و ده سال مدت را کم بکنند ممکن است که این کابینه حالیه هم اقداماتی بکنند و پنج سال را به دو سال برسانند و این هم هیچ ضرری نخواهد داشت حالا اگر هیئت وزراء جواب منطقی دیگری غیر از آنچه فرمودند به نظرشان می رسد که بهتر باشد استعاضا دارم بفرمایند

وزیر امور خارجه - بعضی از آقایانی که از ماهدات بانکی فرنگستان مطلع هستند تصور می رفت که در این باب بیشتر کمک اطلاعی خودشان را بدهند حالا معلوم می شود که آنها بیشتر اشکال تراشی و ایراد گیری می کنند مسئله استعراض تنها امری نیست که دولت ایران داخل آن شده باشد بلکه سایر دول در این کار داخل شده اند دول بزرگ و کوچک استعراضهای بزرگ استعراض های کوچک کرده اند و شرایط آنها هم تقریباً داراست هیچوقت يك بانکی با يك کمپانی يك پولی را نمی دهد که ششماه یا یکسال دیگر پس بگیرد این اگر فقط برای ایراد گیری باشد می شود گفت اما اگر برای عمل باشد نمی شود گفت بجهت اینکه نظیرش را نداشته ایم یعنی مانعی نداریم دیگران اگر می دانند چه عرض کنم و در مسئله کابینه سابق هم که می فرمایند البته این کابینه خیلی محل تصحیح است از اینکه اعمال صحیحه کابینه سابق خودش را تصحیح بدانند و تعقیب بکنند و به موقع عمل بگذارند پس اگر در این موضوع اظهاری از کابینه سابق می شود برای این است که آنها در این موضوع سعی خودشان را کرده اند و نظرات خودشان را بعمل آورده اند و قرار داد خودشان را نوشته و آورده اند که از مجلس بگذرانند کابینه سابق که آن وقت بنده هم داخل آن بودم و مرحوم صنیع الدوله وزیر مالیه و آقای نواب وزیر امور خارجه بودند در این مسئله مذاکرات بقدری که توانستند کردند و بالخصوص خاطر می آید که در تلگراف خانه بودیم که وقتی که در صدی دوازده و نیم نزول و صدی پنج تنزیل این فرض را قرار دادند کمال مسرت برای مرحوم صنیع الدوله که از امثال و نظائر این قسم استعراض ها کمال اطلاع را داشتند حاصل شد و یکی دو مسئله آن جا محل تأمل و نظر ایشان بود یکی مدت این استعراض بود که ۱۵ سال قرار دادند دیگری هم تلگرافخانه بود که در آن کثرت ذکر کرده بودند این دو مسئله را هم با اقداماتی که آن کابینه در آن وقت کرد و با تلگراف زیادی که بلندن مخابره شد اصلاح کردید یعنی تلگرافخانه را تا يك مدتی قرار دادند که بمداز آن آزاد باشد و ۱۵ سال را هم پنج سال قرار دادند و خیلی هم تفاخر میکردند که این مسئله را انجام دادند پس يك کار صحیحی را که يك کابینه اقدام کرده است و به انجام رسانیده است و در بدل خودش را نموده و نوشتجات آنرا نوشته است دیگر این کابینه داخل مذاکرات خارجی نمی تواند بشود و این که آقای وزیر مالیه اظهار کردند که اینطور قرار داد نشده است

اینطور تمام شده است یعنی مذاکرات و گفتگوهای را که کابینه سابق لازم دانسته است با طرفهای خودش بعمل آورده است و بعد از اینکه کار را منتهی کرده است بمجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است این است که این کابینه حالی هم آن پیشنهاد دولت سابق را تعاقب میکند و دیگر داخل مذاکراتی که میداندند تعاقب آنها هیچ فایده ندارد نمیخواهند بشوند.

رئیس - مذاکرات کافی است ماده سیم خوانده میشود [بمبارت ذیل از لایحه وزراء خوانده شد]

ماده سه - اسناد این استقراض از هر نوع مالیات و تخفیفی که در ایران قرار بگذارند معاف خواهد بود کمیسیون بمبارت ذیل ماده مزبوره را اصلاح کرده بود.

ماده ۴ اسناد این استقراض از هر نوع مالیات و تعصیلات که از دیوان قرار بگذارند معاف خواهد بود.

و حیدالملک - بنده میخواستم بدانم که ما می توانیم در اینها مذاکره کنیم یا اینکه نمی توانیم مذاکره بکنیم اگر میتوانیم مذاکره کنیم که بنده بعضی ایرادات دارم عرض میکنم

رئیس - برای همین اینجا نشستیم چرا نمی توانیم.

و حیدالملک - چونکه آقای وزیر امور خارجه فرمودند که این مسئله تنقیح شده است و فقط مجلس باید یک تصویبی بکند به قسمی که دیگر هیچ تغییر بردار نیست [و اگر واقعا این طور است که معق است ما را می بندد و دیگر این که می خواستم از آقای وزیر مالیه استیضای کنم که از چه نظر است که این ماده در اینجا نوشته شده است ما که هنوز مالیاتی برای اینگونه بلیطها و اسهام وضع نکرده ایم و اگر هم مالیاتی وضع بکنیم چون این استقراض استقراض خارجه است و این بلیطها از لندن انتشار پیدا می کند و اگر هم بلیط این استقراض بیاید بایران و بنده ایران از آنها بخرند باز در تحت قوانین خواهند بود که در خارجه و در آن مجلسی که این اسهام انتشار می یابد بآنها تعلق می گیرد پس در این صورت بنده این راز زیادی می دانم و هیچ لازم نمی دانم بجهت این که اگر این نقطه نظر است که مالیاتی را که ما وضع می کنیم بر اینها تعلق نکیرد که بطوری که عرض کردم تعلق نخواهد گرفت ولی اگر یک نظر دیگری دارند آقای وزیر مالیه خوب است توضیح بدهند

وزیر امور خارجه - این که آقای وحیدالملک فرمودند که بنده خواستم دست وبال مذاکره را ببندم شاید اشتباه فرمودند برای این که از یک طرف نمایندگان ملت توقعشان این است که وزراء کارشان را منتهی و پاکیزه کنند و وقتی که در یک مسئله همراهی و ثابت القیده شدند آنوقت بمجلس بیاورند و از طرف دیگر می خواهند ما را بحالت تردید گذاشته باشند والا این که عرض کردم که این مسئله منتهی است یعنی پیش هیئت وزراء منتهی است

ولی اثبات شیشی نفی ماعدا که نمی کند شامی توانید در این مسئله هر طوری که بخواهید مذاکره بکنید و در اساس آنهم رای نهید ولی در پیش هیئت وزراء این مسئله منتهی است یعنی مذاکرات رسمی خود را بعمل آورده اند و با آنجائی که می توانستند برسانند رسانیده اند آنوقت پیشنهاد کرده اند حالا در آن رای بدهید یا رای ندهید آن دیگر از وظیفه شورای ملی و بسته بنظر اوست ربطی به هیئت وزراء ندارد.

وزیر مالیه - شرحی را که آقای وحیدالملک فرمودند معلوم است که برای آتیه است بجهت این که ما تا بحال اسهامی نداشته ایم تا این که مالیاتی داشته باشیم ولی وقتی که ما اسهام داشته باشیم در ایران هم ممکن است که معمول بشود و علاوه بعضی معاملات هم ممکن است که نسبت باین اسهام بشود این است که این جا قید می شود که در آتیه اسهام این استقراض از هر نوع مالیات و تعصیلات معاف خواهد بود.

رئیس - دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) پس شورا دل این جا ختم می شود حالا اگر میخواهید تقاضای فوریت بکنید تا این که رای بگیریم.

وزیر مالیه - بله بنده همانطور که عرض کردم تقاضای فوریت این مسئله را می نمایم

و حیدالملک - این ممکن نیست اجازه بفرمائید عرض کنم

رئیس - چرا ممکن نیست بفرمائید.

و حیدالملک - باید دانست که این راجع می شود بیک کثرت مهمی که یک طرف آن خارجه است و بنده این را یکی از مهمترین کار هائی می دانم که در مجلس ملی آمده است و خیلی بعید می دانم از اینکه مجلس شورا بیای رای بدهد که یک همچو چیز مهمی به فوریت یعنی بیک شور از مجلس بگذرد.

رئیس - اشتباه فرمودید یک شور که الان در این مسئله شده است حالا که تقاضای فوریت میشود معنیش این است که دیگر برای شور دوم منتظر نشویم پنج روز بگذرد فوراً شروع می کنیم بشور دوم.

و حیدالملک - همین راهم که میفرمائید که معنی تقاضای فوریت در این موقع این است که آن شور ثانوی که باید بشود در همین مجلس شود تقریباً مثل این میشود که بیک شور بگذرد برای اینکه نظریات در این مسئله همان است و فرقی نکرده است پس بنده تقاضا بلکه استدعا میکنم که این تقاضا را بپذیرفته و راضی نشوند که یک چنین مسئله مهمی با این عجله و در یک مجلس بگذرد.

رئیس - خوب حالا که تقاضای فوریت بفرمائید دلایلش را باید بفرمائید.

وزیر مالیه - اگر مخارجی را که در مقابل این استقراض معین شده است و تا یک اندازه هم آن روز بنظر آقایان رسید ملاحظه فرمائید همه تصدیق خواهند فرمود که این مسئله تا چه اندازه لازم است که زودتر بگذرد علاوه بر این این يك مسئله نیست که دیروز آمده باشد تا اینکه آقای وحیدالملک اینطور بفرمایند این يك چیزی است که مدتی است

بمجلس آمده و چندین دفعه در خارج از کمیسیونها میان و کلاط مطرح مذاکره شده است و تمام نکات آنرا ملاحظه کرده اند و اوراقش چاپ شده است و تمام رآمده بماده خوانده اند در اغلب مجالس خود بدم دیدم که مذاکرات این مطلب شده است و مطالعات فوق العاده در آن کاملاً عمل آمده است از این جهت بنده لازم می دانم که این مسئله به فوریت بگذرد.

و حیدالملک - گویا آقای وزیر مالیه آن ماده را که از طرف مخیر کمیسیون پیشنهاد شده است ملاحظه فرموده اند در آن ماده چنین پیشنهاد شده است که بعد از آنکه این استقراض تصویب شد دولت نمیتواند دست بوجوه این استقراض بزند تا اینکه لوائح تقشیه مخارج آن بنظر مجلس برسد و از نظر مجلس بگذرد پس بنده به ملاحظه همین ماده این تقاضای آقای وزیر مالیه را دردمیکنم و باز استدعای خود را تجدید میکنم که این مسئله رادر یک جلسه و در یک روز از مجلس شورای ملی بگذرانند

وزیر مالیه - آقای وحیدالملک معلوم است که یکی از مواد این استقراض را ملاحظه فرموده اند که نوشته شده است بعد از این که این استقراض تصویب شود گذشت و بانك طلب خودش را برداشت باقی را بانك تا سه ماه دیگر میتواند بدهد و حالا امروز و فردا را که میگذرانیم آن وقت سه ماه دیگر هم وقت خواهیم داد این است که بنده تصور میکنم که بیش از این طول ندهیم و کاری بکنیم که این مطلب زودتر بگذرد و فی الواقع به صرافتی که لازم است برسد.

رئیس - حالا رای می گیریم به فوریت این لایحه.

و حیدالملک - شور اول این تمام نشده است برای این که يك ماده هم مخیر پیشنهاد کردند و خوانده نشد.

رئیس - آن ماده الحاقی نیست ماده [واحد] است و معنی ماده واحده این است که این لایحه علیحده است رای میگیریم به فوریت این لایحه همین طوریکه آقای وزیر مالیه تقاضا میکند آقایانی که فوریت این را تصویب میکنند قیام نمایند [قیام کردند] از هفتاد نفر (۳۳) نفر فوریت را تصویب کردند پس فوریت آن رد شد.

فهمیم الملک - پس آن يك ماده هم خوب است شورش به عمل بیاید (بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وجوه این استقراض در بانك باقی خواهد بود تا وقتی که لایحه راجع بخرج آن لوائح تقشیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که این ماده طبعاً مؤخر است از استقراض و باید بعد از تصویب شدن آن خوانده بشود بجهت اینکه الان که هنوز این استقراض نگذشته است ما چگونه می توانیم رای بدهیم که وجوه آن باید در بانك بمانند نباید بمانند.

رئیس - این هم شور اول این ماده است و اینطور بفرمایند این يك چیزی است که مدتی است

رای نخواهیم گرفت دیگر مخالفی هست اظهاری نشد پس شور این ماده هم تمام شد.

وزیر مالیه - در این ماده که نوشته شده است این وجوه خرج نخواهد شد تا لوائح تقشیه آن از مجلس بگذرد خوب است نوشته شود بعد از موضوع شدن طلب بانك که ما دیگر ضرر نفع را نکنیم. رئیس - چون عرض کردم شور اول تمام شد بعد از تمام شدن شور دیگر نمیشود مذاکره کرد و اگر مطلبی داشتید ممکن بود در شور دیگر بفرمائید دستور امروز را بورت کمیسیون بودجه راجع به ورثه دکتر مبرل بود و لایحه استقرضیه اینکه تمام شد حالا چون مطلب دیگری در دستور نبوده است اگر مجلس موافقت داشته باشد قانون ثبت اسناد را مطرح مذاکره قرار بدهیم یا قانون استخدام را.

وزیر مالیه - بنده تقاضا میکنم که قانون ثبت اسناد را در دستور بگذارید برای اینکه چیزی از آن باقی نمانده است.

رئیس - پس حالا ده دقیقه تنفس می شود بعد از آن قانون ثبت اسناد را مطرح مذاکره می کنیم.

بعد از تنفس مجدد مجلس نیم ساعت بفرروب تشکیل شد.

رئیس - قانون ثبت اسناد راجع به وادی که بکمیسیون رجوع شده بود قرائت می شود بمبارت ذیل از راپورت کمیسیون قرائت شد.

ماده ۱۲۸ - هرگاه اجراء اداره ثبت اسناد مستعدی را بدون تحقیق هویت اشخاص یا با عدم علم بصلاحت اصحاب معامله یا با علم بعدم قابلیت موضوع معامله ثبت کنند از شغل خود معزول و هیچ خدمت دولت قبول نخواهند شد علاوه از شش ماه الی یکسال مقرر می شود از ششماه الی یکسال نسبت باهمیت تصحیر مجبوس خواهد شد.

وزیر عدلیه - اینجا (او) نیست [آنها] است چون راجع باجزاء است باید لفظ [آنها] نوشته شود.

آقاشیخ ابراهیم - ماده ۹۲ اشکالی ندارد بنده توضیح می دهم بعد رای بگیرید.

رئیس - آن ماده رد شده است نمیشود مجدداً ماده ۱۲۸ قرائت شد.

آقاشیخ اسدالله - این جا می نویسد یا بدون تحقیق هویت اشخاص یا با عدم علم با همیت این يك مطلبی است (که لایحه الامن قبلاً) بجهت این که این شخص علم داشته است یا علم نداشته است راجع بشخص خودش است می خواهیم بدانیم که این را از کجا می توانند بفهمند که علم داشته است یا نداشته است.

آقاشیخ ابراهیم - تمام این مواد مجازات راجع است به واد سابقه قانونها که وضع شده است برای تخلف از آن آن مجازات بوده یکی این بود که باید بدانند این اشخاص صلاحیت دارند یا نه این اشخاص مجنون نیستند صفیه نیستند اینها را باید

بداند هر گاه این تحقیقات را نکرد البته مسئول است اما در موضوع معامله يك ماده دیگری هم بود که هر گاه موضوع معامله مثلا وقف بوده است بیع کرده است یا این که مجهول المالك بوده است یا خالصه دولتی از این قبیل ولی این جا علم بعدم صلاحیت مناطق است یعنی دانسته است وقف است مع ذلک ثبت کرده است والا ندانسته تصصیری نخواهد بود این است که این طور نوشته شده و یا بهمین طور نوشته شود.

حاج شیخ اسدالله - جواب عرض بنده را مخیر ندادند بنده عرض نکردم که صلاحیت یا عدم صلاحیت را از خارج تحقیق نکنند آنوقت تصحیر او ثابت نشود این يك مطلبی است که ممکن نیست لیاقت معامله را داشته باشد و این را ممکن است اقرار بکنند و آنوقت آن مطلب اسباب تصحیر می باشد ثبت نمیشود اینجا می نویسد هویت اشخاص با عدم علم بصلاحت علم به صلاحیت اشخاص این از کجا معلوم میشود علم به يك امری است و يك کیفیت نفسانی است که راجع است بخود مباشرت این مطلب را می میتواند تحقیق بکند که علم پیدا کرده است در حقین عمل یا علم پیدا نکرده است اینجا پس باید قید کنند بکطریقی برای تحصیل علم که این مطلب را معین بکنند و طریق ثبوتش باید معلوم شود و طریقتش هم منحصر است باقرار خودش همین قدر می نویسد که در صورت عدم علم یا علم این را چطور میشود فهمید میگوید من علم داشته ام یقین است امروز بمعلم خود شب و تصحیر خودش اقرار نمیکند.

آقاشیخ ابراهیم - این ماده می نویسد که هرگاه سندی را آوردند باید تحقیق کنند حال سندی را ثبت کرده است بعد معمول در آمده است میگویند تحقیق کرده یا باینکه بدون تحقیق ثبت کرده اگر ندانسته این صلاحیت دارم مقصراست بگوید ندانسته بازمقصر است باید بدانند که صلاحیت دارد باید بدانند که صغیر نیست مجنون نیست اگر نمی دانند باید تحقیق کنند هر گاه معلوم شده مجنون و مقیر بوده است نباید ثبت کند و الا معلوم شد که این شخص این معامله را کرده است سفید و صغیر بوده است با عدم علم مقصراست.

وزیر عدلیه - این ماده اینطوری که نوشته شده است صحیح است لکن عبارت گرواضح تر نوشته شود بهتر است بنده پیشنهاد میکنم که اینطور نوشته شود هر گاه اجراء اداره ثبت اسناد را بدون تحقیق صلاحیت اصحاب معامله ثبت کنند اینطور دیگر هیچ شکی باقی نمی ماند بجای عبارت عدم علم بصلاحت نوشته شود یا بدون تحقیق صلاحیت.

آقاشیخ ابراهیم - بعقیده بنده علم بعدم بهتر است تحقیق نمی خواهد عدم علم بهتر است اگر نمیدانند که خودش عدم علم است.

رئیس - بعد در رای میگیریم اول ماده کمیسیون رای میگیریم چون مقدم است بکمرته دیگر قرائت میشود (مجدداً ماده مذکور قرائت شد).

رئیس - آقایانیکه با این ماده ۱۲۸ موافقت قیام نمایند (رد شد) با اصلاح وزیر عدلیه رای میگیریم آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با کثرت چهل و هشت رای تصویب شد).

رئیس - آقایانیکه با این ماده ۱۲۸ موافقت قیام نمایند (رد شد) با اصلاح وزیر عدلیه رای میگیریم آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با کثرت چهل و هشت رای تصویب شد).

حاج شیخ اسدالله - فرق است میان این که مخالف واقع و نفس الامر باشد یا يك امری برار مشتبه شده باشد و از روی اشتباه آن کار را کرده باشد در موقعی که امر بر او مشتبه شده باشد عمداً که خیانتی نکرده است مثلا يك وقت تصدیق هویت

رئیس نیست مخالفی نیست (پس رای می گیریم آقایانی که با این ماده ۱۳۰ موافقت قیام نمایند با کثرت ۴۵ رای تصویب شد)

ماده ۱۳۰ - هرگاه اجراء اداره ثبت اسناد صورت ثبت یا مواد سندی را به کسانی که در این قانون رخصت داده نشده بدهند یا خود اسنادی که نزد آنها می آورند افساش نمایند یا مضمون آنها را بکسانی که حق ندارند توضیحات یا اطلاعات دهند از شغل خود معزول شده و هیچ خدمت دولتی قبول نخواهند شد.

رئیس - این ماده ۱۳۰ را هم میگیریم بعد از ماده ۱۲۹ را هم میگیریم (پس رای می گیریم آقایانی که با این ماده ۱۳۰ موافقت قیام نمایند با کثرت ۴۵ رای تصویب شد)

ماده ۱۳۱ - هرگاه اجراء اداره مزبور تصدیقاتی بدهند که مخالف واقع باشد از شغل خود معزول شده و هیچ خدمت قبول نخواهند شد.

حاج شیخ اسدالله - فرق است میان این که مخالف واقع و نفس الامر باشد یا يك امری برار مشتبه شده باشد و از روی اشتباه آن کار را کرده باشد در موقعی که امر بر او مشتبه شده باشد عمداً که خیانتی نکرده است مثلا يك وقت تصدیق هویت

رئیس - این ماده ۱۲۹ - هرگاه اجراء اداره ثبت اسناد سندی را که مفاد آن مخالف قوانین مقرر است ثبت کند از

يك شخصى را داده است و عقیده اش هم این است که مطابق قوانین مقرر هويت این شخص صحیح بوده بعد از تصدیق دادن معلوم شد که مخالف با واقع بوده و تصدیق واقع و نفس الامر نبوده است که او نوشته است آن شخص فوت شده است در این موقع او تقصیری نکرده است تقصیر باشهود است که سبب این شده اند و تصدیق داده اند اینجاست که مطلق باشد صحیح نیست بنده عقیده ام این است که کفایت این ماده را نمیکند.

آقا شیخ ابراهیم - همچو کاری که مثلا از روی تصدیقی که نموده و ثبت کرده است تصدیق بدهد بعد بگوید که من سهو و خطا کردم این حرفها قابل اعتنا نیست والا تمام خطاها قابل تأویل است من شراب خورده ام نفهمیدم سهو کرده ام اینکه نمیشود مجازات نشود باید مجازات او بشود.

رئیس - رای میگیریم باینماده بترتیبی که قرائت شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند با کثرت ۴۴ رای تصویب شد و چون بنده می بینم که اغلب آقایان این لایحه را همراه ندارند اگر اجازه میدهند این لایحه بماند برای جلسه دیگر اظهار شد (صحیح است) دستور سه جلسه آینده دستور شنبه ۲۹ راپورت کمیسیون بودجه راجع بسیم تلگراف گلیایگان - قانون ثبت اسناد سه شنبه ۳ جمادی الاول لایحه استقراض قانون استخدام - لوابیح نجف اشرف - پنجشنبه پنجم جمادی الاولی - راپورت کمیسیون بودجه راجع باعزام سی نفر شاگرد بفرنگ - راپورت کمیسیون تفسیر راجع باصل هفتم قانون اساسی - راپورت کمیسیون بودجه راجع باحداث پست خانه و تلگرافخانه در سرحد جلفا - آقای معزز الملک در دستور اظهاری دارید.

معزز الملک -- چون راپورت کمیسیون بودجه راجع بورنه مورل در دستور بود و بواسطه يك پیشنهادی برگشت بکمیسیون حالا اگر مخالفی نیست و ممکن است جزء دستور سه شنبه بگذاریم و تصور میکنم که تا آروز این راپورت رسیده باشد.

رئیس - چون خیلی مختصر است هر وقت که حاضر شد در همان جلسه خوانده میشود و دیگر از کمیسیون عدلیه یکماه و نیم قبل از این بعضی اطلاعات خواسته شده بود از هیئت رئیسه و هنوز اطلاع داده نشده خواهش میکنم اطلاعاتی که خواسته شده هر چه زودتر بدهند دیگر آنکه اعضاء کمیسیون داخله هم مرتباً حاضر نمی شوند خواهش میکنم که مراقب باشند چون سایر اعضاء می آیند و اکثریت نیست مدنی منتظر میشوند بعد میروند.

حاج شیخ الرئیس - مرخص میفرمائید راجع بکمیسیون عدلیه بعضی عرایض دارم عرض کنم **رئیس** - بفرمائید.

حاج شیخ الرئیس - بنده وسایر اعضاء رسمی کمیسیون عدلیه تقاضا میکنیم از هیئت رئیسه که دونفر لاقل از کسانی که متخصص بکمیسیون عدلیه هستند یعنی اداره کردن کمیسیون عدلیه را از حیث منشی گری بتوانند بکمیسیون عدلیه ضمیمه کنند والا کارها خیلی عقب می افتد بجهت اینکه آقایانی که هستند متخصص در شرعیاتند و شاهزاده سلیمان میرزا که در سابق عضو بودند و متخصص باینکار بودند و اطلاعات کامله در این کمیسیون دارند همچنین اتفاق افتاده است که انتخاب نشده اند یا اینکه از ایشان خواهش هم کردیم

که قبول نمایند غرض اگر هیئت رئیسه رعایت این مسئله را بفرمایند کارها زودتر پیش میرود و حالا کمیسیون منشی ندارد.

رئیس - چون اعضاء کمیسیون عدلیه و وزیر عدلیه هم این خواهش را کرده اند اگر مجلس موافق است در جلسه آینده دونفر با اعضاء کمیسیون عدلیه اضافه بکنیم و آقای قمی هم چون در کمیسیون بودجه هستند از عضویت کمیسیون داخله استعفا دادند چون نمی توانند در کمیسیون داخله حاضر شوند برای روز شنبه بکنفر هم برای کمیسیون داخله انتخاب بشود مجلس مقارن مغرب ختم شد

جلسه ۲۴۱

صورت مذاکرات روز شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

آقای مؤتمن الملک رئیس سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس و مجلس در ساعت سه بغروب رسماً افتتاح گردید صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۷ را آقای معاضد الملک قرائت نمودند.

(غائبین جلسه قبل) بدون اجازه .

حاج وکیل الرعایا و میرزا علی اکبر خان دهخدا غائبین با اجازه معین الرعایا - نجم آبادی - غائبین از وقت مقرر حاج سید نصرالله - آقا شیخ حسین یزدی - دکتر امیرخان - ادیب التجار - نیر السلطان هر يك نیم ساعت - معاضد السلطنه چهل و پنج دقیقه آقامیرزا رضاخان نائینی سی و پنج دقیقه .

رئیس - ملاحظاتی هست ؟

حاج وکیل الرعایا - بنده رادر پنجشنبه غائب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه عریضه که تقاضای اجازه را شامل بود تقدیم شده بود میخواستیم سؤال کنم که رسیده است یاخیر .

رئیس - نرسیده است و چندین مرتبه هم عرض کردم که این قبیل مطالب باید در اداره مباشرت اظهار شود راجع باینجا نیست دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) کافندی از وزارت مالیه رسیده است راجع به اجازه واستجاره املاک دولتی قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) .

مجلس شورای ملی در موضوع اجازه واستجاره بملاحظه اینکه از قرار معلوم بعضی از نمایندگان محترم این مسئله را از قبیل نقل وانتقال تصور نموده بموجب اصل بیست و دویم قانون اساسی از مختصات مجلس شورای ملی دانسته اند وزارت مالیه چون غالباً دچار اشکالات اینمطلب است بلا تکلیف مانده است و نظر به نص قانون اساسی که تفسیر قوانین بامجلس است بوسیله این مشروحه دقت نظر نمایندگان محترم را باین مطلب جلب مینماید و بفوریت تقاضا دارد که در مجلس مذاکرات لازمه در این باب فرموده و مقرر فرمایند کمیسیون تفسیر این ماده را تفسیر نموده و ضمناً تکلیف وزارت مالیه را معین فرمایند که آیا بالاخره وزارت مالیه شخصاً میتواند متصدی این امر بشود و نظر به مسئولیتی که دارد ممکن است اینکار را قطع و فصل نماید یا اینکه جزئیات مطلب را باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده کسب اجازه نماید و در خاتمه این مطلب را هم متذکر و یاد آور میشود که در موضوع هر اجازه واستجاره (مثلا در موقع اجازه دادن يك دکان یا فلان قطعه زمین متعلق بدولت) اگر بخواهد تحصیل رای از نمایندگان محترم نماید باعث تضییق اوقات

مجلس وعدم حسن جریان امور خواهد بود .
وزارت مالیه
رئیس - در سابق مذاکره این خیلی شده است حالا اگر مخالفی نیست بفرستیم بکمیسیون تفسیر **معزز الملک** - بنده مخالف نیستم فقط می خواستم عرض کنم در این باب یک طرح قانونی دیگر هم هست که باید کمیسیون قوانین مالیه زودتر راپورت آنرا بدهد .

رئیس - جای مذاکره گویا نیست پس میفرستیم بکمیسیون تفسیر و دیگر يك کافندی هم از طرف مالیه رسیده است در خصوص دورشته قنات در یزد اینرا هم میفرستیم بکمیسیون بودجه دستور امروز هم راپورت کمیسیون بودجه است راجع به امتداد سیم تلگراف بخونسار و گلیایگان از عراق خوانده می شود .

(راپورت کمیسیون بودجه بمضمون ذیل قرائت شد .)

بتاریخ ۱۵ ربیع الثانی در کمیسیون بودجه در لایحه وزارت پست و تلگراف بانضمام راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بامتداد خط تلگراف از عراق بگلیایگان و خونسار و محلات مطرح گردیده در خصوص تعهد آقایان آقا میرزا محمد مهدی و حاج شیخ اسدالله راجع به تیر و عمده این خط که از خود مجانی حاضر شده بدهند مذاکرات لازمه بعمل آمده بملاحظاتی کمیسیون بودجه این تعهد را لازم ندانسته و عقیده داشت آنچه مخارج لازم است باید از طرف دولت بشود مجدد وزارت پست و تلگراف کلیه مخارج امتداد این خط را از سیم کشی و عمده و تیر پیشنهاد نموده نظر بلزوم تأسیس تلگراف در نقاط مزبوره از حیث تجارت و رفاهیت اهالی کمیسیون بودجه با کثرت آراء مطابق پیشنهاد وزیر ماده ذیل را تصویب می نماید .
ماده - مبلغ هفت هزار و یکصد و پنجاه و هفت تومان برای کلیه مخارج امتداد خط تلگراف از عراق بگلیایگان و خونسار و محلات اعتبار بوزارت پست و تلگراف داده شود .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم مخالف هستید .

حاج سید ابراهیم - آنچه در این باب در کمیسیون مذاکره شده این بود که در عراق این خط کشیده شود و از کمره بمحلات و لفظ کمره مخصوصاً در راپورت بود و برای اینکه در هر يك از این نقاط يك مرکزی از برای تلگراف پست باشد و در اینجا ذکر نشده است خواستم عرض کنم که لازم است نوشته شود .

رئیس - در راپورت کمیسیون فوائد عامه نوشته شده است معلوم می شود اینجا اشتباهاً افتاده است دیگر مخالفی نیست (اظهار شد خیر) پس رای می گیریم باورقه آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت .

(در این موقع شروع باخذ آراء گردید و حاج میرزا رضا خان احصا نمود .)

رئیس - با کثرت شصت و هفت رای تصویب شد .